

اصل - در امور مالی عقل بلوغ رسد
در امور غیر مالی عقل بلوغ

ورشکسته ← مجبور نیست

← از تصرف در اموال خودش ممنوع است

آیا در رشته می تواند در امور مالی و محاسبات بدهد؟ (یعنی سوال واقع شود)

نمی تواند

آیا در رشته می تواند در امور مالی دلیل شود؟

بله می تواند چون در رشته محاسبه نیست

در امور فردی حق تصرف ندارد.

جهت مطالعه

لے انگیزہ شخصی ر اکدم بہ اکدم فرق ی کنند

اشتباہ در حساب مطالعه (انگیزہ شخصی)

لے خلی بہ عدد وارد نمی کنند۔ عدد صحیح

حجت عالمه ← لازم نیست در عقد تصریح شود.
آنلیزه شخصی

اگر تصریح نشد، باید مشروع باشد

جهت ناشروع

① اگر در عقد تصریح شود به عقد باطل است.

② اگر به صورت ضمنی بیان شود به عقد باطل است.

جهت
یک طرف
ناشروع

③ اگر حین العقد به اطلاع طرف مقابل رسیده باشد به عقد باطل است.

④ اگر جهت (دائلیت) هر دو طرف معلوم باشد، ناشروع باشد به عقد باطل است.

در هر صورت

معامله به قصد فرار از دین

سایر اموال برای پرداخت دیون، کافی نباشد

گزارش درصندوق
↓

← معاملات صوری ← فقدان قصد ← حمیت باطل

معاملات
به قصد
خار
از
من

← بجانی (غیر معرض) حبه، صلح بلا عوض کنند ← غیر ناخذ

وقف به قصد اضرایردیان، غیر ناخذ است.

یا
طلبکاران تنفیذ طلبکاران
برداشت
دیون آن

← معاملات واقعی ←

→ راز و صحت وجه
معاملات معرض ← صحیح است.
محکم حکومت قطعی

←

ماده ۲۱ قانون نحوه اجرای محکومیت مالی

* حکم محکوم قطعی

باز هم معطله صصح است.

اگر خریدار آگاه باشد از قصد فرستنده (فرار از دین)

مال را به عنوان جریمه از خریداری سریم و طلبکاران از محل آن استیفای طلب می کنند.

خریدار آگاه

اگر مال تلف شده { مثل یاقوت را از ادوی سریم
منتقل به غیر

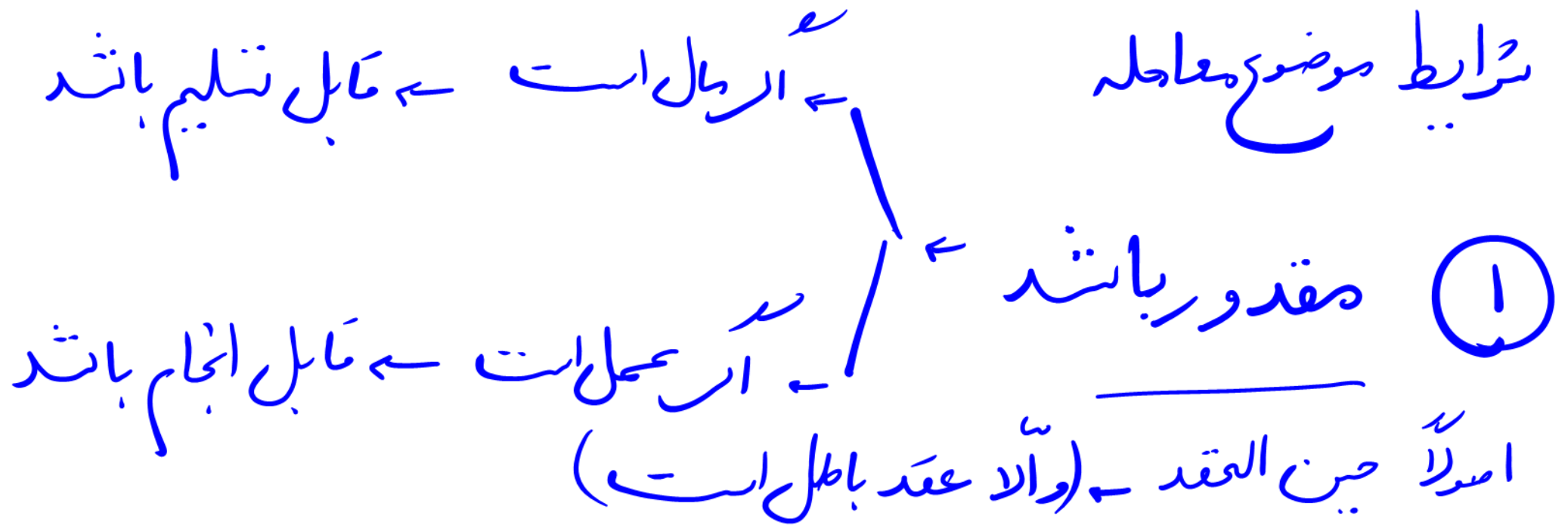
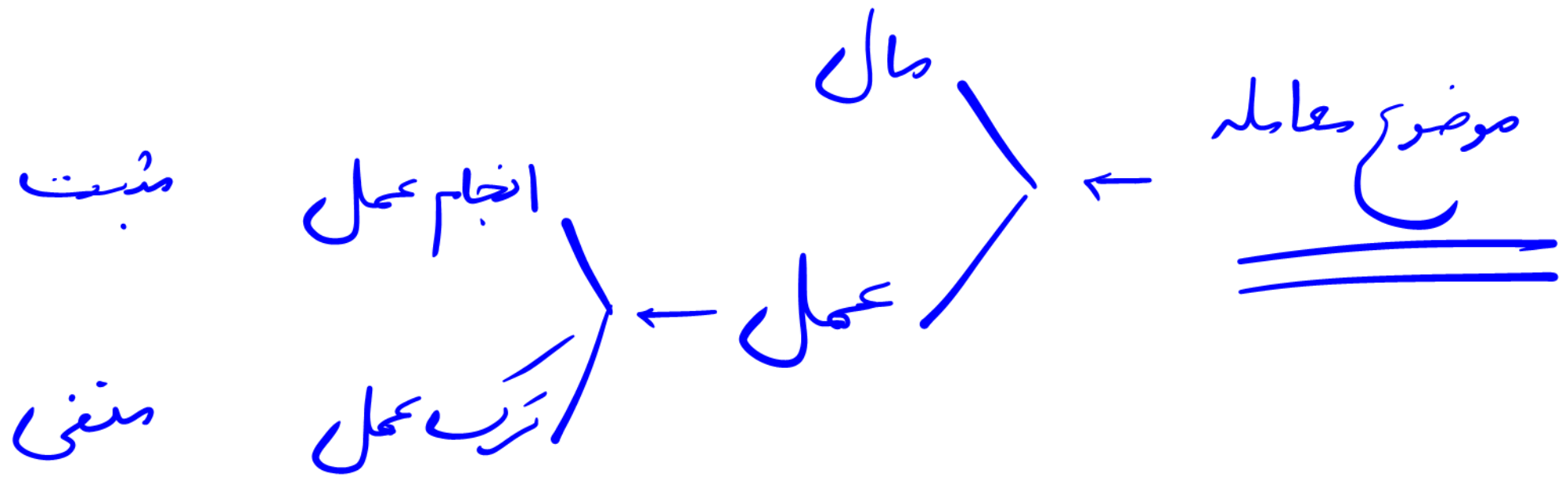
مَسْئَلَاتِ دین ۱۔ منزل مسکونی در شان

۱۔ یعنی نمی توان با پدین ، از بدکار گرفت

مال توقیف نیست.

اگر شخصی به قصد فرار از دین ، مسائلات دین را بفروشد

معامله صحیح است. گُل به خودی زده



اگر حین العقد مقدر نبود ہے عقد باطل است

اگر حین العقد مقدر بود بعداً غیر مقدر شد ہے معطله صحیح بود

اگر حین العقد مقدر بود، بعداً غیر مقدر نشد خود به خود، هر آ

اگر به طور دائم غیر مقدر نشد ← عقد منفسخی شود

و حدت مطلوب ← عقد منفسخ
می شود

اگر به طور موقت غیر مقدر شود ←

نقد مطالب ← حق نسخ می دهد

(خیار تعذر تسلیم)

وحدت مطلوب ← انجام تعهد، در موعد مقرر به دردی خورد
بعداً به درد نمی خورد

شام شب عروسی

تعدد مطلوب ← انجام تعهد، در غیر از موعد مقرر هم به درد می خورد

شرایط موضوع معامله

والّا عقد باطل
است.

② مالیت داشته باشد ← ارزش دارد و مستند

لکه ملاک شخصی ← مثل یارگاری های خانوادگی
عکس عکسهای من

متضمن منفعت عقلایی مشروع باشد

حين العقد

شروط موضوع معامله

(۳)

معلوم باشد

≠ مجهول، مبهم

عين معين

كلى در عين

كلى فى الذمه

در هر نوع مال

باید برای طرفین مشخص
باشد

جنس

مقدار

وصف

مال

ذکر هم بشود. (در عقد)

باید

اگر موضوع معامله، لایى فى الذمه باشد

له استثناء (در معامله از روی تخلف)

له لازم نیست، جنس و وصف
ذکر شود.

علم تفصیلی ← جنس، مقدار، وصف برای طریقین دقیق
مشخص است

علم اجمالی ← جمل نیست. در عالم واقع مشخص است.
طریقین یا یکی از آن‌ها الان دقیق نمی‌دانند.

اصولاً در حرار دادها، علم تفصیلی نیاز است.

اے استثناء، در مواردی علم اجمالی کافی است.

عقود مسامحہ ای ←

اے جعالہ - جہل، کیفیات عمل
یادش

شُرَاطِ موضوع معامله

حين العقد

④ معین باشد $\neq$ مردد نباشد

والّا عقد باطل است.

تنها یک استثناء $\leftarrow$ عمل موضوع حاله می تواند
مردد باشد

~~عمل~~

جاءل
من

عامل
آن که در دنبال لیف می رود.

جعل
بِ میلون

عمل موضوع جباله
پیدا کردن لیف

هرس لیف من را پیدا کند بِ میلون به او می دم

هرس کیف من را پیدا کنند

لب سیلین کومان

بیا می دهیم

ماشین من را تعمیر کنند

« جهانم صحیح
چون عمل مردم است

جعل اگر مردم باشد عقد جهانم باطل است.
داراش

شرایط مرفوع معامله

⑤

در عین معین { باید
کلی در عین
باید حین العقد موجود باشد
والّا عقد باطل است.

در کلی فی الذمه ← لازم نیست حین العقد موجود باشد

شرایط موضوع معامله

⑥ قابلیت نقل و انتقال داشته باشد

مثلاً مال موقوفه را نمی شود فروخت

اموال عمومی را نمی شود فروخت

اموال ممنوعه
یا نیازمند مجوز خاص
→ یعنی شود

مال مرهونه

مرتبه
طلبکار

راهن
بدهکار

مال مرهونه
آن چه بگردد (رضن) گذاشته می شود.

مرتبه مال مرهونه نیست

لـ حق عینی تبعی نسبت به مال مرهونه دارد.

معاملات منافی حق مرتبه

لـ مثل فروش، حبس، صلح ← غیر نافذ

ردیفه درین
تغیض مرتبه

از پند ملی دایم زینم خانه را گرو نداشتام

مرتین
پند ملی

راضن
سن

خانه ۱ مال مرهونه

زائر وحدت رویہ

انتقال سرقتی مال مرہونہ

اے منافی حق مرتہن است

اے غیر ناقد است

